Ketabton.com

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

ketabton.com - The Digital Library

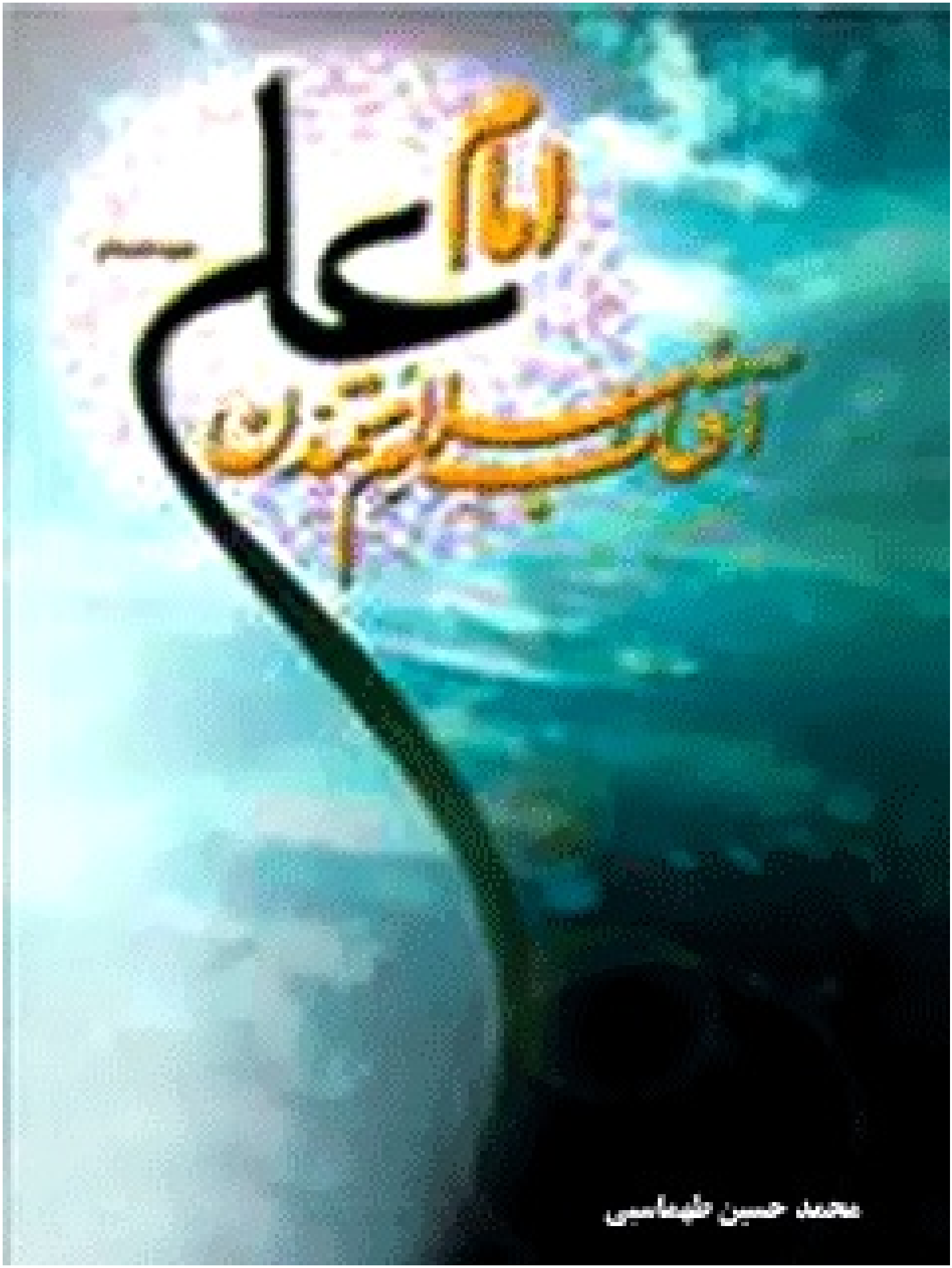

ketabton.com - The Digital Library

ketabton.com - The Digital Library

امام علی علیه السلام و وحدت اسلامی

نویسنده:

محمد واعظ زاده خراسانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

ketabton.com - The Digital Library

فهرست

فهرست ----- ۵
امام علی (ع) و وحدت اسلامی ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
مقدمه ----- ۶
آغاز بحث ----- ۱۳
سخنان امام علی (ع) درباره وحدت ----- ۱۳
تفرقه عرب و تاثیر اسلام در تبدیل آن تفرقه به وحدت و الفت ----- ۱۴
عوامل روانی و اخلاقی وحدت و اختلاف ----- ۱۷
دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف ----- ۱۹
شیوه عملی امام علی (ع) در حفظ وحدت ----- ۲۹
درباره مرکز ----- ۶۰

ketabton.com - The Digital Library

امام علی (ع) و وحدت اسلامی

مشخصات کتاب

نویسنده:محمد واعظ زاده خراسانی

ناشر : محمد واعظ زاده خراسانی

زبان اصلی:فارسی

مقدمه

با تشکر بسیار از مقام معظم رهبری که امسال را سال امام علی (ع) اعلان فرموده اند و با سپاس فراوان از کوشش چشم گیر ستاد معظم بزرگداشت امام علی (ع).

در آغاز، لازم است از سه مساله که در روشن شدن بحث دخالت دارد به اختصار سخن بگوییم:

۱. مقصود از وحدت اسلامی، همان وحدت امت اسلام است که خداوند فرموده است:

«ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون»(۱) همانا این امت شما امت واحده است).

پس اساس این وحدت را قرآن نهاده است و بارها مسلمانان را به عنوان یک امت مخاطب ساخته است، مانند: «کنتم خیر امه اخرجت للناس...»(۲) و «کذلک جعلناکم امه

(صفحه ۲)

وسطا».(۳).

رسول اکرم (ص)، به طور رسمی پس از هجرت، در قرارداد و عهدی بین مهاجرین و انصار، وحدت امت اسلام را اعلان فرمود: «انهم امه واحده من دون الناس»(۴) (مسلمانان جدای از مردم یک امت هستند). این اعلان رسمی که همزمان با هجرت رسول اکرم (ص) و تاسیس حکومت اسلامی صورت گرفته است، علاوه بر مفهوم وحدت دین و عقیده، وحدت سیاسی و اجتماعی آنان را نیز در بر دارد.

مسلمانان، موظف هستند با اختلافات قومی و زبانی و احیانا اختلاف رای در فروع فقهی و در روش های عملی و یا در فهم کتاب و سنت و نیز در گرایش های سیاسی، این وحدت را حفظ کنند. هیچ گاه این قبیل اختلاف ها که وجود دارد و امری طبیعی است، آنان را فرقه فرقه نکند و به نزاع و درگیری و جنگ و عداوت با هم وادار ننماید. لهذا در آیاتی

ketabton.com - The Digital Library

که مسلمانان را به وحدت دعوت و از اختلاف باز می دارد، جمله ی «و لا تفرقوا» قید گردیده است، مانند: «و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا.»(۵) (به ریسمان الهی چنگ بزنید و از تفرقه بپرهیزید)، «و ان اقیموا الدین و لا تنفرقوا.»(۶) (دین را به پای دارید و متفرق نشوید)، «و لا تکونوا کاالذین تفرقوا و اختلفوا.»(۷) (مانند کسانی که به تفرقه گراییدند و با هم اختلاف کردند نباشید).

باری، مراد از وحدت اسلامی وحدت امت اسلام است، به عنوان یک امت به هم پیوسته، در عین برخورداری از آزادی محدود در بسیاری از زمینه های علمی و عملی به شرط اینکه این آزادی و اختلاف ناشی از آن، که یک امر طبیعی است، به فرقه فرقه شدن و دسته بندی و رقابت نامطلوب و بالاخره به نزاع و جنگ داخلی نینجامد.

۲. سخن گفتن از وحدت، همواره توام با یاد کردن از اختلاف است. قرآن نیز غالبا

(صفحه ۳)

در آیات بسیار، این دو مفهوم- یعنی وحدت و اختلاف- را با هم آورده است، مانند همان آیه ی سوره ی آل عمران که تقریبا همه ی داعیان و منادیان وحدت و مصلحان جهان اسلام، آن را شعار خود قرار داده و می دهند: «و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا...»

علت تقارن و تلازم وحدت و اختلاف در کتاب و سنت و در سخنان مولی علی (ع) آن است که اگر اختلاف نباشد نیاز به سفارش به وحدت نیست. توصیه به وحدت، همواره جهت پرهیز از اختلافات و تفرقه ی موجود

ketabton.com - The Digital Library

یـا متوقع است و به عبـارت دیگر مراد از آن رفع اختلاف موجود و یا جلوگیری و دفع اختلافی است که خطر بروز آن احساس می شود.

۳. هنگام به خلافت رسـیدن علی (ع)، زمینه ی اختلافات تشدیـد گردیـده بود و پس از آن در دوران خلافت وی بر اثر جنگ ها و حوادث ناخواسـته، شـدت بیش تری پیـدا کرد و به همین خاطر، مبارزه ی با اختلاف و دعوت به وحـدت، در راس برنامه های آن حضرت قرار داشت. اختلافات و عداوت های قبیله ای که در تاریخ عرب ثبت گردیده، قرآن مکررا به آنها اشاره و از آنها منع کرده است. این قبیل آیات را که این جانب گرد آورده و با مطالعه ی آنها معتقـد شـده ام بسـیاری از آنها به اختلاف قومی و قبیله ای در بین عرب پیش از اسـلام بر می گردد، در سوره های آل عمران (۱۰۵ -۱۰۳)، انفال: (۴۳) و حجرات (بیش تر آیات آن) آمده است. البته آیات بیش تری هم از قرآن در زمینه ی اختلافات دینی و عقیدتی است که علی (ع) در آن باره نیز سخن گفته است.

علی (ع) به این گونه اختلافـات ریشه دار عرب، در خطبه های خود پرداخته است که بعـدا ذکر خواهـد شـد. این اختلافات هر چنـد به طور موقت، بـا آمـدن اسـلام، فرو کش کرد اما به کلی از میان نرفت و رسوبات آنها باقی بود و در تحولات و حوادث مهم در طول تاریخ اسلام نقش داشت.

اختلاف عرب قحطاین و عدنانی، اختلاف انصار و مهاجر که پس از اسلام پیدا شد،

(صفحه ۴)

اختلاف خاندان هاشم و بنی امیه و

ketabton.com - The Digital Library

اختلافات قبایل دیگر با هم که در هنگام خلافت علی (ع) بروز کرد، پیش از آن هم در زمان روی کار آمدن خلفای پیش از علی (ع) تاثیر داشت که شواهد آن در تاریخ به چشم می خورد.

علی (ع) وارث این رقابت های قبیله ای و دسته بندی های سیاسی بود که گاهی چنان اوج می گرفت که حضرت می فرماید:

الا و ان بلیتکم قد عادت کهیئتها یوم بعث الله نبیه صلی الله علیه و و سلم.(۸).

(آگاه باشید که همانا بلای (اختلاف شما) مانند روزی که خداوند پیغمبر خود را مبعوث کرد برگشته است.)

ال، علاوه بر همه ی اختلافات گذشته، پیش از روی کار آمدن علی (ع) حادثه ی قیام مردم علیه عثمان پیش آمد که از آن به «الفتنه الکبری» نام برده اند، فتنه ای که مردم را به جان هم انداخت و معاویه حداکثر استفاده را از آن برد و علی (ع) را متهم می کرد که او محرک قتل خلیفه است. این شبهه و فتنه آن قدر بزرگ و گسترده بود که نه تنها توده ی مردم که خواص را هم فراگرفت و شخصیت های از صحابه به خاطر آن از بیعت با علی (ع) سر باز زدند. بخشی از نامه ها و خطبه های حضرت در رفع این شبهه و در دفاع از خودش می باشد که نه تنها دخالت در وقوع این حادثه نداشته بلکه تا توانسته است از جان خلیفه دفاع کرده است، چنان که گاهی می فرمود:

و الله لقد دفعت عنه حتی خشیت ان اکون آثما.(۹).

(به خدا قسم تا آن حد، از عثمان دفاع کردم که خوف آن

ketabton.com - The Digital Library

را دارم که مرتکب گناه شده باشم.)

بنابراین، علی (ع) در یک چنین جو ناآرام و متلاطمی به خلافت رسید و هر چه در برابر خود می دید، اختلاف، دسته بندی، دورویی، نفاق و توطئه بود. بنابراین حق داشت

(صفحه ۵)

که تا این حد درباره ی اختلاف و وحدت امت سخن بگوید.

کما اینکه درباره ی فتنه هم بسیار سخن گفته است(۱۰) که خود جایگاه وسیعی در نهج البلاغه دارد. گویا نخستین گفتار وی درباره ی فتنه سخنی است که در پاسخ عباس و ابوسفیان بر زبان جاری ساخته است. بنا به نقل سید رضی در نهج البلاغه(۱۱) هنگامی رسول خدا (ص) از دنیا رفت، عباس و ابوسفیان بن حرب به او پیشنهاد کردند که با او بیعت کنند و این پس از آن بود که بیعت با ابوبکر در سقیفه انجام گرفته بود. فرمود:

ایها الناس، شقوا امواج الفتن بسفن النجاه و عرجوا عن طریق المنافره... (ای مردم موج های فته را با کشتی های نجات بشکافید و از راه تک روی و اختلاف، دوری گزینید.)

البته درباره ی عباس، عموی پیغمبر (ص) و علی (ع) احتمال فتنه نمی رود، چه او پیش از بیعت مردم با ابوبکر هم به آن حضرت پیشنهاد بیعت کرد و گفت مردم خواهند گفت عموی پیغمبر با پسر عمویش بیعت کرده است و با تو بیعت می کردند، اما احتمال فتنه گری ابوسفیان قوی است. در نقل دیگری آمده است که پس از بیعت مردم با ابوبکر، ابوسفیان نزد علی (ع) آمد و گفت: می خواهم با تو بیعت کنم و من قادرم بین دو کوه مدینه را به حمایت تو پر از

ketabton.com - The Digital Library

لشکر کنم!! علی به او فرمود: تو هنوز به نفاق خود باقی هستی!! این قبیل قطعه های تاریخی بسیار پرمعنی است و اوضاع و احوال جامعه ی اسلامی را هنگام رحلت رسول اکرم (ص) نشان می دهد.

باری، شاید علی نخواسته بود صریحا به عباس و ابوسفیان بگوید: شما نفاق به خرج می دهید، لهذا مخاطب خود را مردم قرار داده است.

مسلما فتنه، مهم ترین عامل اختلاف است و همین جهت علی (ع) ضمن نکوهش مکرر از فتنه ماهیت و اثر و منشا آن را هم بارها به صور ذیل بیان کرده است:

(صفحه ۶)

۱. انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتدع(۱۲).

۲. ان الفتن اذا اقبلت شبهت و اذا ادبرت نبهت...(۱۳).

۳. فتن کقطع الیل المظلم، لا تقوم لها قائمه و لا ترد لها رایه...(۱۴).

۴. تمام خطبه ی ۱۵۱(۱۵).

۵. بخش مهمی از خطبه ی ۱۵...(۱۶) و جز اینها.

******

(۱) سوره ی انبیاء: ۹۲، آیه ی دیگری به همین معنی آمده است: «و ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون» (سوره ی مومنون: ۵۲). البته برخی از مفسرین این دو آیه را به لحاظ اینکه پیش از آنها راجع به همه ی پیروان انبیا سخن رفته است، خطاب به همه دانسته و آنها را اختصاص به امت اسلام نداده اند.

(۲) سوره ی آل عمران: ۱۱.

(۳) سوره ی بقره: ۱۴۳.

(۴) سیره ابن هشام، درالحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۱۱۵.

(۵) سوره ی آل عمران: ۱۰۳.

(۶) سوره ی نساء: ۱۶۳.

(۷) سوره ی آل عمران: ۱۰۵.

ketabton.com - The Digital Library

(۸) صبحی صالح، ص ۵۷، خطبه ی ۱۶.

(۹) صبحی صالح، ص ۳۵۸، خطبه ی ۲۴۰.

(۱۰) صبحی صالح، ص ۷۵۶.

(۱۱) صبحی صالح، ص ۵۲، خطبه

ketabton.com - The Digital Library

ی ۵.

(۱۲) صبحی صالح ص ۸۸، خطبه ی ۵۰.

(۱۳) صبحی صالح ص ۱۳۷، خطبه ی ۹۳.

(۱۴) صبحی صالح ص ۱۴۸، خطبه ی ۱۰۲.

(۱۵) صبحی صالح ص ۲۱۰.

(۱۶) صبحی صالح ص ۲۲۰.

آغاز بحث

پس از این مقدمه، دیدگاه علی (ع) در وحدت اسلامی در دو بخش قابل بحث است: یکی سخنان آن حضرت که عمدتا در نهج البلاغه آمده و بیش تر در دوران خلافت از او سر زده است و دیگری روش عملی وی که از هنگام رحلت رسول اکرم (ص)، آغاز می شود و تا هنگام خلافت و شهادت او ادامه دارد و از نهج البلاغه و تاریخ سیاسی آن دوران به دست می آید.

سخنان امام علی درباره وحدت

تفرقه عرب و تاثیر اسلام در تبدیل آن تفرقه به وحدت و الفت

عوامل روانی و اخلاقی وحدت و اختلاف

دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف

*****

سخنان امام علی (ع) درباره وحدت

گفتار علی راجع به وحدت را باید به چند دسته تقسیم کرد:

تفرقه عرب و تاثیر اسلام در تبدیل آن تفرقه به وحدت و الفت

عوامل روانی و اخلاقی وحدت و اختلاف

دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف

*****

ketabton.com - The Digital Library

تفرقه عرب و تاثیر اسلام در تبدیل آن تفرقه به وحدت و الفت

توصیف وی از نقش رسول اکرم (ص) در ایجاد الفت و وحدت و اخوت بین مومنین و توصیف اختلافات قومی و قبیله ای و عقیدتی دوران جاهلیت که مسلما از شیوه ی قرآن درباره ی وحدت و اختلاف که قبلا بدان اشاره شد، تبعیت فرموده است. علی (ع) درباره ی جاهلیت و تفرقه ی عرب و تاثیر اسلام در تبدیل آن تفرقه به وحدت و الفت، بسیار سخن گفته است که شمه ای از آنها نقل می شود:

(صفحه ۷)

۱. قد صرفت محوه افئده الابرار و ثنیت الیه ازمه الابصار. دفن الله به الضغائن و اطفا به النوائر. الف به اخوانا و فرق به اقرانا. اعز به الذله، و اذل به العزه...(۱) یعنی دل های نیکوکاران شیفته ی او گشت و نگاه چشم ها خیره به او دوخته شد، خداوند به وسیله ی او کینه های دیرینه را دفن کرد، شعله های فروزان دشمنی و عداوت ار خاموش نمود، دل ها را با هم الفت داد و مردم را با هم برادر ساخت و دوستان (در کفر و جهالت) را از هم جدا کرد، ذلت ها را به عزت و عزت ها را به ذلت تبدیل کرد.

۲.... فلم الله به الصدع، ورتق به الفتق و الف به الشمل بین ذوی الارحام بعد العداوه الواغره فی الصدور و الضغائن القادحه فی القلوب...(۲) خداوند به وسیله ی پیغمبر (ص) جدایی ها را

ketabton.com - The Digital Library

وصل و فاصله ها را پیوسته کرد، میان خویشان الفت داد و یگانگی بر قرار ساخت، پس از آنکه دشمنی ریشه دار در سینه ها و کینه های برافروخته، در دل ها جای داشت.

در این جمله هـا بـاز هم علی (ع) ماننـد جمله های پیش از این، بر الفت دل ها و آشتی بین خویشان و ازله ی کینه ها و تبـدیل دشمنی ها به دوستی ها، به برکت بعثت رسول اکرم (ص) تاکید می کند.

۳. و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طرائق متشتته، بین مشبه لله بخلقه، او ملحد فی اسمه، او مشیر الی غیره. فهذا هم به من الضـلاله و انقذهم بمکانه من الجهاله.(۳) مردم روی زمین هنگـام بعثت رسول اکرم (ص)، دارای ادیـان گوناگون و گرایش های پریشان و دسـته های متفرق بودند. دسـته ای خدا را به مخلوقاتش تشبیه می نمودند یا خدا را انکار می کردند، یا به خـدایان دیگری جز او توجه داشـتند. پس خداونـد به برکت پیغمبر (ص)، آنها را از اختلاف و ضـلالت رهانید و از جهالت نجات داد.

در این خطبه، علی (ع) به اختلاف و تشتت دینی مردم، بیش از بعثت، اشاره و بر

هدایت و نجات آنان از ضلالت و نیز بر الفت دلهای آنان به وسیله ی پیغمبرش تاکید فرموده است.

به طور کلی علی (ع) درباره ی بعثت رسول اکرم (ص) و برکات آن بسـیار سـخن گفته است تا مسـلمانان از دوران جاهلیت و آثار بعثت و برکات رسولش غفلت نکنند.

گویا امام، اوضاع و احوال مسلمانان و گرایش هایشان را به دنیا و مظاهر آن و سرگرم شدن مردم را

ketabton.com - The Digital Library

به مسائل اختلاف برانگیز و دسته بندی های سیاسی و مذهبی که ناشی از حوادث پیش از او بود خطری جدی برای اسلام و مسلمین می دانست و راه رفع و دفع این خطر را بازگشت به عصر رسول اکرم (ص) و به خاطر آوردن برکات وجود آن حضرت، با مقایسه ی اوضاع قبل وبعد از بعثت می دانست، که احتمال می رفت تا از خاطره ها محو گردد و نسل های پس از آن دوران که شاهد و ناظر آن تحولات زود گذر نبوده اند، از برکات بعثت محروم شوند و به کلی از آنها فاصله گیرند. به خصوص که دست های پنهانی از منافقان و یا نو پیدا در صدد بودند تا جوان ها را از گذشته ی اسلام دور نگه دارند.

ما اینک همین مشکل را راجع به نسل های پس از انقلاب داریم و خطر بیگانگی و جدایی این نسل ها را از جاذبه های دوران انقلاب، احساس می کنیم. بخشی از این ناآگاهی نسل جدید طبیعی است،ذ اما بخش دیگر عمدی است و دشمنان انقلاب و اسلام با توطئه و نیرنگ های گوناگون، جدا در صدد جدا کردن انی نسل از انقلاب هستند و می خواهند جوانان، چیزی از جاذبه ها و آثار انقلاب ندانند و به جای آن به جاذبه های غربی ما جلب شوند.

ما حالا خوب می فهمیم که علی (ع) چه خطر بزرگی را برای آینده اسلام احساس و یا پیش بینی می کرده و چاره را منحصر به آگاهی دادن به نسل جوان و نیز تذکر و یاد آوری و هشدار به نسل دوران رسول اکرم (ص)

ketabton.com - The Digital Library

که هنوز باقی اما در شرف انقراض بودند و دنیا پرستی و چالش های سیاسی و دسته بندی های فرقه ای و مسلکی، آنان را از

گذشته ی اسلام باز داشته بود می دید.

*****

(۱) صبحی صالح، ص ۱۴۱، خطبه ی ۹۶.

(۲) صبحی صالح، ص ۳۵۳، خطبه ی ۲۳۱.

(۳) صبحی صالح ص ۴۴، خطبه ی ۱.

عوامل روانی و اخلاقی وحدت و اختلاف

مسلما برخوردها و روحیات اخلاقی سالم، در ایجاد وحدت و برادری میان مسلمانان و به عکس روحیات ناسالم و دل های مریض و برخوردهای نامطلوب، در ایجاد اختلاف موثر است. در این زمینه سخنانی از علی می آوریم:

- قلوب الرجال وحشیه، فمن تالفها اقبلت علیه.(۱) (دل های مردم طبعا بیگانه و وحشی است، هر کس با آنها الفت پیدا کند به او روی می آورند.)

در این جمله به یک نکته ی روانی جهت نزدیکی و دوستی مردم با هم اشاره نموده است. مردم، خود به خود تحت تاثیر هوا و هوس و جهالت و طمع و حرص و عوامل دیگر محیط و خانواده و از همه بیش تر خامی، راه بیگانگی و فرار از دیگران از انتخاب می کنند. راه جلوگیری از زیان این خصلت روانی، همانا دوستی و الفت و محبت با مردم است. و آگاهی از این خاصیت روانی برای مصلحان جامعه و رهبر این و داعیان وحدت امت، در اولویت قرار دارد.

- اعجز الناس من عجز عن اکتساب الاخوان و اعجز منه من ضیع من ظفر به منهم.(۲) (ناتوان ترین مردم، کسی است که از به دست آوردن برادران و دوستان عاجز باشد. و ناتوان ترین از او کسی است که چنین دوستان بازیافته را از دست

ketabton.com - The Digital Library

بدهد.)

در این سخن امام (ع) به یکی از نقاط ضعف مردم در راه معاشرت و دوست یابی اشاره می کند، در حالی که شاید به تصور ما عاجز ترین مردم کسی است که از لحاظ ناتوانی جسمی یا اقتصادی یا فرهنگی و مانند آنها عاجز است. امام (ع)، کسی را که در دوست یابی و مردم داری ناتوان باشد و بالاتر از آن، انسان ناتوان در حفظ دوستان و ادامه ی دوستی با آنان را عاجز ترین مردم می داند.

(صفحه ۱۰)

- خالطوا الناس مخالطه ان متم معها بکوا علیکم و ان عشتم حنوا الیکم.(۳) (با مردم به گونه ای آمیزش کنید که اگر مردید بر شما بگریند و اگر ماندید، قلبا به شما بگروند.)

شکی نیست که حسن معاشرت با مردم تا حدی که در حیات و ممات، دلشان با انسان پیوند داشته باشد، پیوند مستحکم و عاطفه انگیز که در حال حیات همواره دل ها متمایل به او باشند و در حال ممات از فرط محبت بر او بگریند، این پیوندهای محبت آمیز در بین مردم سنگ بنای یک جامعه ی سالم و متعهد و امت واحده ی اسلامی است.

- الغریب من لم یکن له حبیب.(۴) (غریب کسی است که دوستی ندارد.)

- فقد الاحبه غربه.(۵) (از دست دادن دوستان، یک نوع غربت و تنهایی است.)

- الموده قرابه مستفاده.(۶) (دوستی با مردم، یک نوع خویشاوند گزینی است.)

- التودد نصف العقل.(۷) (دوستی با مردم نیمی از عقل است.)

- لا تتخذن عدو صدیقک صدیقا فتعادی صدیقک.(۸) (دشمن دوست خود را به دوستی اتخاذ نکن که بدین وسیله با دوست خود دشمنی کرده ای.)

- من اطاع الواشی ضیع الصدیق.(۹)

ketabton.com - The Digital Library

(هر کس از سخن چین پیروی کند دوست خود را از دست می دهد.)

- ایها الناس! من عرف من اخیه وثیقه دین و سداد طریق، فلا یسمعن فیه اقاویل الرجال.(۱۰) (ای مردم، هر کس از برادر دینی خود ایمان محکم و راه استوار نشان دارد به عیب جویی مردم در باره اش گوش ندهد.)

این ده سخن از علی (ع) است درباره ی آیین دوست یابی و دوست داری که به پیوند مستحکم میان افراد جامعه می انجامد. سخنان آن حضرت در این باره فراوان است و

(صفحه ۱۱)

حاکی از روح سرشار او از محبت و صداقت و نیز حاکی از علاقه ی شدید او به ایجاد وحدت و اخوت میان مسلمانان است. بیش تر از این گونه از سخنان مودت آمیز آن حضرت، در کتاب المعجم الموضوعی لنهج البلاغه(۱۱) و تحت عنوان «الصداقه و الاصدقاء» گرد آمده است.

*****

(۱) صبحی صالح، ص ۴۷۷، حکمت شماره ی ۵۰.

(۲) صبحی صالح، ص ۴۷۰، حکمت شماره ی ۱۲.

(۳) صبحی صالح، ص ۴۷۰، حکمت شماره ی ۱۰.

(۴) صبحی صالح، ص ۴۰۴، نامه ی ۳۱.

(۵) صبحی صالح، ص ۴۷۹، حکمت شماره ی ۶۵.

(۶) صبحی صالح، ص ۵۰۶، حکمت شماره ی ۲۱۱.

(۷) صبحی صالح، ص ۴۹۵، حکمت شماره ی ۱۴۲.

(۸) صبحی صالح، نامه ی ۳۱.

(۹) صبحی صالح، ص ۲۳۹، حکمت شماره ی ۲۳۹.

(۱۰) صبحی صالح، حکمت شماره ی ۱۴۱.

(۱۱) تالیف اویس کریم محمد، از انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی، ص ص ۳۷۲ - ۳۷۰.

دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف

ketabton.com - The Digital Library

- الخلاف یهدم الرای.(۱) (اختلاف، رای صحیح را ویران می سازد.)

این جمله به یک نکته ی مهم اجتماعی و اخلاقی و روانی اشاره دارد و آن اینکه انسان در حالت عادی

ketabton.com - The Digital Library

و آرامش می توانـد رای و نظر درست اختیـار نمایـد، امـا در شـرایط غیر عادی و در جوی پر از اختلاف و برخورد، طبعا تحت شرایط غیر عادی، از جاده ی صواب منحرف می گردد و نظر ناصحیح را بر می گزیند.

- ما اختلفت دعوتان الا کانت احداهما ضلاله.(۲) (هیچگاه دو دعوت و دو نظریه در قبال هم قرار نمی گیرد، مگر اینکه یکی از آن دو ضلالت و باطل است.)

این جمله ی حکیمـانه اشـاره به این است که حق و باطـل بـا هم جمع نمی شونـد و همواره حق در برابر باطـل است و تبلیغات، دعوت ها و احزاب هم همین طور هستند، از بین آنها، یکی حق و بقیه باطل و ضلالت اند.

- قال له بعض الیهود: ما دفنتم نبیکم حتی اختلفتم فیه! فقال علیه السلام له: انما اختلفنا عنه لا فیه و لکنکم ما جفت ارجلکم من البحر حتی قلتم لنبیکم: «اجعـل لنـا الهـا کما لهم آلهه فقال انکم قوم تجهلون.(۳) (کسـی از قوم یهود به آن حضـرت- در مقام شمـاتت مسـلمانان بر اختلافشان- گفت: هنوز پیغمبر تان را به خاک نسپرده بودیـد- و به اصـطلاح هنوز آب غسـلش خشـک نشده شده بود- که درباره ی او اختلاف کردید!! امام به او

(صفحه ۱۲)

فرمود: ما تنها در آنچه از او شـنیده ایم اختلاف کردیم، نه درباره ی خود او. اما شما هنوز پاهاتان از آب دریا- که از آن عبور کردیـد- خشک نشده بود که به پیغمبر تان گفتید: خدای برای ما قرار بده، همان طور این بت پرسـتان خدایانی دارند. آن گاه فرمود: شما مردمی نادان هستید.)

با دقت در این گفتگو، به

ketabton.com - The Digital Library

چند نکته پی می بریم:

۱. اینکه یهودیان در عصر آن حضرت (ع) در صدد عیب جویی از مسلمانان بودند و یکی از عیب هایی که به مسلمان ها می گرفتند همانا اختلاف آنها پس از رحلت رسول اکرم (ص) در مساله مهم و سر نوست ساز خلافت و امامت بود. این خود قابل بررسی است که یهودیان در آن هنگام، در امور مسلمان ها دقت و اظهار نظر و عیب جویی و چه بسا عملا دخالت می کردند و دست کم، در صدد بودند میان مسلمان ها اختلاف بیندازند ویا اختلاف آنها را بزرگ جلوه دهند و این امر برنده ترین حربه ی آنان علیه السلام و جامعه ی اسلامی بود،

۲. یهودیان تا آن اندازه از آزادی برخوردار بودند که با خلیفه ی مسلمان ها تماس بگیرند و با لحنی شماتت آمیز با او سخن بگویند و علی (ع) چنین اجازه ای را به آنان می داد،

۳. امام به نیرنگ آنان که می خواستند میان مسلمانان اختلاف اندازند پی برد و به سخن مغالطه آمیز یهودی پاسخ فرمود. یهودی می خواست وانمود کند که مسلمان ها تا آن حد سست عقیده و ناآگاه بودند که به مجرد درگذشت پیغمبر شان، درباره ی او اختلاف کردند. ولی امام، اولا از روی مغالطه ی یهودی پرده برداشت که ما درباره ی پیغمبرمان اختلاف نکردیم و او در نظر همه ی مسلمان ها پیغمبر بود. کسی در پیغمبری او شک نکرد، بلکه اختلاف مسلمان ها در گفتار پیغمبر (ص) راجع به جانشین او بود که اکثریت راه انتخاب را برگزیدند و امام و هواخواهانش بر نص تاکید داشتند.

ثانیا،

ketabton.com - The Digital Library

به جواب نقضی و مقابله به مثل پرداخت که با آن همه تاکید موسی و هارون بر یکتا پرستی، شما هنوز از دریا به خشکی قدم ننهاده بودید، همین که چشمتان به

(صفحه ۱۳)

بت پرستان افتاد به پیغمبر تان گفتید: برای ما بتی مانند بت های آنان قرار بده تا آن بت را بپرستیم!! یعنی شما در اصل دین که توحید پروردگار است، آن هم در حیات پیغمبر تان و نه پس از مرگش، دستخوش ظلالت و انحراف شدید.

ثالثا پیداست که علی (ع) از اظهار نظر و بزرگ کردن اختلاف مردم درباره ی امامت او پرهیز دارد و این همان چیزی است که در موضع گیری آن حضرت در برابر خلفا، چه در هنگام خلافت آنان و چه پس از آن، در هنگام خلافت خودش- که بعدا خواهیم گفت- کاملا نمایان است،

۴. نکته ی چهارمی که از این گفتگو شایسته ی بررسی است، آن است که آیا یهودیان در تحریف و بزرگ کردن داستان های مربوط به خلافت و در نشر شایعات ضد و نقیض درباره ی حوادث دوران خلافت خلفای پیش از علی (ع) به خصوص در تشدید شایعات مربوط به اختلاف و جبهه بندی میان صحابه و از جمله علی (ع)، با خلفا و نیز در پخش اخبار دوران خلافت عثمان که به قتل او منتهی گردید و همچنین کوشش در نشر روایات جعلی در مورد تحریف قرآن و در اختلاف احادیث و در سیر حوادث تاریخ سیاسی اسلام و مسائلی از این قبیل، دخالت نداشته اند؟ این جانب در خصوص شواهد و نشانه های دخالت یهود و دیگر فرقه های منحرف، بررسی هایی

ketabton.com - The Digital Library

نموده ام که اگر زمینه برای بازگو کردن آنها پیدا شود آنها را منتشر خواهم کرد.

دیگر از سخنان علی درباره ی وحدت و اختلافات:

- و علیکم بالتواصل والتباذل و ایاکم و التدابر و التقاطع.(۴) (بر شما باد به وصل کردن و همبستگی با هم و بذل و بخشش به هم و بپرهیزید از پشت کردن به هم و قطع رابطه با یکدیگر.)

این جمله در وصیت آن حضرت به فرزندانش امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام)

آمده است.

- فایاکم و التلون فی دین الله، فان جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل...(۵) (مبادا در دین خدا تردید و تلون و اختلاف از خود نشان دهید، که همانا اجتماعی و همبستگی در آنچه از حق مورد کراهت شما است، از تفرقه در آنچه از باطل مورد محبت شما است بهتر است.)

در این جمله علی (ع) مردم را به اجتماع بر حق ولو از آن خوششان نیاید و پرهیز از تفرقه در باطل هر چند از آن خوشش بیاید، توصیه می فرماید.

- و جعلوا اللسان واحدا...(۶) (سخنانتان را یکی قرار دهید و وحدت کلمه داشته باشید.)

در این خطبه، علی (ع) از اختلاف و وحدت، بسیار سخن گفته است و از جمله درباره ی حفظ زبان و وحدت گفتار.

- و الظاهر ان ربنا واحد و نبینا واحد و دعوتنا فی الاسلام واحده....(۷) (بدیهی است که پروردگار ما یکی است و پیغمبر ما یکی است و دعوت ما در اسلام یکی است.)

این جمله را علی (ع) در نامه ای که برای مردم بلاد اسلام فرستاد، نوشته و در آن از سرپیچی مردم شام شکایت کرده است

ketabton.com - The Digital Library

که ما و آنها دارای یک دین و یک پیغمبر و رسالت و دعوت واحد هستیم. پس از آن، در توضیح این جمله فرموده است: ما چیزی بیش زا شامیان درباره ی ایمان به خدا و تصدیق رسولش نداریم، آنها نیز در این خصوص فزونی بر ما ندارند. ما و آنها در همه ی امور شریک و متحد هستیم، مگر در مورد قتل عثمان که ما از آن بری هستیم و آنان در حمایت از عثمان کوتاهی کردند....

علی بارها در پرهیز از اختلاف بر وحدت امت در دین کتاب و پیغمبر و دعوت تاکید فرموده است از جمله در سخن ذیل:

-... و الههم واحد! و نبیهم واحد! کتابهم واحد! افامرهم الله- سبحانه بالاختلاف فاطاعوه!

(صفحه ۱۵)

ام نهاهم عنه فعصوه؟(۸) (... در حالی که خدای آنان یکی است، پیغمبر شان یکی است، کتابشان یکی است، آیا خدا آنان را به اختلاف امر کرده و آنان او را اطاعت کرده اند، یا اینکه خداوند آنان را از اختلاف نهی کرده و آنان خدا را نافرمانی کرده اند؟)

این جمله را امام (ع) در نکوهش و مذمت قاضیان که در قضاوت ها و فتاواهایشان، با هم اختلاف دارند و چون آن داوری های متناقض را بر امام و خلیفه ی وقت که آنان را به قضاوت برگزیده، عرضه می کنند همه را صواب می داند و می پذیرد، در حالی که آنانرا به قضاوت برگزیده، عرضه می کنند همه را صواب می داند و می پذیرد، در حالی که مسلما یکی از آنها حق است و بقیه ناحق و خلیفه چطور مهر قبول بر همه ی آنها می گذارد.

بدیهی است

ketabton.com - The Digital Library

مساله اختلاف فتاوی از سوی مجتهدان و قاضیان امری است طبیعی و تا به امروز در همه ی مذاهب اسلامی و از جمله در بین علمای شیعه، شایع است و نمی توان جلوی این قبیل اختلافات را گرفت. و الا نباید در مسائل مبهم و غیر منصوص، اجازه ی اجتهاد می دادند که داده اند و گفته اند: «للمصیب اجران و للمخطی ء اجر واحد.»

اما آنچه مورد انکار امام (ع) است، همان موافقت خلیفه با همه ی آنهاست که این عمل با عقیده ی برخی از اهل سنت در مساله کلامی «تصویب» سازگار است. تصویب، یعنی اینکه خداوند در این قبیل مسائل حکمی ندارد و حکم آنها را به مجتهدین واگذار کرده است و بنابراین هر فتاوایی از آنان، خود حکم الله است و در این قبیل مسائل مانعی ندارد که چند حکم وجود داشته باشد. تصویب، به اتفاق علمای امامیه باطل است و همچنین نزد برخی از مذاهب دیگر.

- و الزموا السواد الاعظم فان ید الله علی مع الجماعه. و ایاکم و الفرقه.(۹) (همواره با سیاهی و انبوه مردم مسلمان ملازم باشید که همانا دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید.)

در این سخن و جمله های پیش از آن، امام (ع) مردم را از تندروی درباره ی خود و

اینکه بر خلاف نظر عمومی، مقام و منزلتی برای او قایل شوند، جز آنچه مردم می پندارند، به شدت منع فرموده است.

پیش از آن فرموده است: «سیهلک فی صنفان....» (دو صنف از مردم درباره ی من هلاک خواهند شد: دوستی که به ناحق فضیلتی برای من قایل باشد و دشمنی که به ناحق

ketabton.com - The Digital Library

فضیلتی را از من انکار نماید....)

به نظر می رسد در زمان آن حضرت، غالیان چیزهایی از فضایل درباره ی او می گفتند کما اینکه خوارج و دشمنان او، ابتدایی ترین فضایل وی را انکار می کردند، لذا علی (ع) به هر دو هشدار می داده است. این احتمال هم هست که برخی از شیعیان خاص اسرار را فاش می کردند که علی (ع) را ابراز آنها ناراضی بود و در هر حال، مایل نبود به خاطر او مسلمان ها فرقه فرقه شوند که متاسفانه شدند. و عده ای از دوستان کم ظرفیت ایشان در آن هنگام و در طول تاریخ تاکنون بر این تفرقه اصرار دارند. در حالی که بزرگان دین، از جمله چند عالم معروف در عصر ما، از قبیل آیه الله بروجردی، آیه الله کاشف الغطاء، آیه الله سید محسن جبل عاملی و آیه الله سید شرف الدین و مانند آنان، در موضع گیری های سیاسی و اجتماعی و علمی خود، بر وحدت صفوف مسلمین تاکید داشتند که شرح آنها نیاز به چند کتاب دارد و در آثاری که از سوی ما در «مجمع جهانی تقریب» انتشار یافته، آمده است.

- فاجتمع القوم علی الفرقه و افترقوا عن الجماعه.(۱۰) (مردم بر تفرقه، اجتماع کردند و در وحدت و اجتماع، متفرق شدند.)

این جمله ی علی (ع) انسان را به یاد نابغه ی اسلام سید جمال الدین اسد آبادی، معروف به افغانی، می اندازد که می گفت: «المسلمون اتفقوا علی ان لا یتفقوا.» (مسلمانان اتفاق کرده اند که متفق نشوند.) و این بهترین تعبیر است از اختلاف و تفرقه ی مسلمانان که از

ketabton.com - The Digital Library

تا کنون مصداق داشته و دارد.

- فیا عجبا عجبا- و الله- یمیت القلب و یجلب الهم اجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم...(۱۱) (ای عحب و چه عجبی که دل را می میراند و انبوه غم را به دل راه می دهد، از اجتماع و هماهنگی این قوم (اهل شام) بر باطل خودشان و از پراکندگی شما از حق خودتان.)

این سخن را علی (ع) در خطبه ی جهادیه که با جمله ی«فان الجهاد باب من ابواب الجنه» آغاز می شود بر زبان آورده است. به نوشته ی سید رضی این خطبه را علی (ع) در هنگامی ایراد فرمود که خبر دست برد لشکر معاویه به شهر انبار، به اطلاع آن حضرت رسید. کلمات علی (ع) در این خطبه حاکی از نهایت حزن و اندوه او از دو امر است، یکی از این حادثه ی ناگوار که آنان زر و زیور از دست و پای زن مسلمان و یک زن از اهل ذمه بیرون آورده اند و این حادثه تا آن حد در نظر علی (ع) ناگوار است که می فرماید: اگر مرد مسلمانی از شدت تاسف بمیرد شایسته ی تقدیر است و نه ملامت.

و دیگری از تفرقه و پراکندگی لشکر خود او که شدیدترین کلمات را درباره ی آنان به کار بسته است. از این قبیل ملامت ها و شماتت ها در سخنان علی (ع) نسبت به پراکندگی مردم کوفه و لشکریانش، فراوان است که به همین اندازه اکتفا می شود.

*****

(۱) صبحی صالح، ص ۵۰۷، حکمت شماره ی ۲۱۵.

(۲) صبحی صالح، ص ۵۰۲، حکمت شماره ی ۱۸۳.

(۳) صبحی صالح، ص ۵۳۱، حکمت شماره

ketabton.com - The Digital Library

ی ۳۱۷.

(۴) صبحی صالح، نامه ی ۴۷.

(۵) صبحی صالح، ص ۲۵۵، خطبه ی ۱۷۶.

(۶) صبحی صالح، ص ۲۵۳، خطبه ی ۱۷۶.

(۷) صبحی صالح، نامه ی ۵۸.

(۸) صبحی صالح، ص ۶۰، کلام ۱۸.

(۹) صبحی صالح، ص ۱۸۴، کلام ۱۲۷.

(۱۰) صبحی صالح، ص ۲۰۵، خطبه ی ۱۴۷.

(۱۱) صبحی صالح، ۷۰، خطبه ی ۲۷.

شیوه عملی امام علی (ع) در حفظ وحدت

بحث وافی و کافی در این خصوص مستلزم شرح حوادث و تحولات سیاسی و اجتماعی دوران خلفا، از هنگام رحلت رسول اکرم (ص) تا دوران خلافت خود آن حضرت (ع) است و در یک مقاله نمی گنجد، اما می توان نمونه های بارزی از آن را بیان کرد. ما پیش از اینکه به استنباط و برداشت خود از آن حوادث بپردازیم ترجیح می دهیم

(صفحه ۱۸)

این بحث را با گفتار یکی از استادان جامع ازهر و از طرفداران تقریب مذاهب، در حدود نیم قرن پیش از این، آغاز کنیم.

یکی از حامیان صدیق و تقریب مذاهب و از نویسندگان مقاله در مجله ی رساله الاسلام، ارگان«دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» که مقالات او در این زمینه مکررا در آن مجله ی گرامی منتشر می گردید، استاد جلیل شیخ عبدالمتعال صعیدی است. یکی از مقالات ایشان با عنوان«علی بن ابی طالب و التقریب بین المذاهب»(۱) است که گزیده ای از آن ذیلا ترجمه می شود.

این فضیلت بزرگی است برای علی بن ابی طالب- رضی الله عنه و کرم الله وجهه- که برای اولین بار در اسلام، اساس تقریب بین مذاهب را بنا نهاده است، تا اینکه اختلاف در رای، به تفریق کلمه ی امت و برافروختن آتش عداوت میان طوایف مختلف نینجامد. بلکه در عین اختلاف رای، وحدت

ketabton.com - The Digital Library

امت محفوظ بماند و طرف های متخالف در رای، همچنان برادران و دوستان باقی بمانند و باز هم با یکدیگر با دوستی به سر ببرند، بدین گونه که هر کدام از آنها برادر خود را با رای و نظرش باز گذارد. زیرا او از دو حال خارج نیست: یا مصیب است و ماخور و یا مخطی ء است و معذور. و اگر هم بخواهد، با او به گونه ی جدال به احسن برخورد کند و در بحث و جدال بین آنان تعصب رای نباشد، بلکه منحصرا هدف از بحث، رسیدن به حقیقت باشد و نه غلبه و پیروزی بر خصم.

بلی این فضیلت، وجه فضیلتی است برای پسر عموی رسول خدا که از فضیلت او در شرف نسبت و قرابت به صاحب رسالت، کمتر نیست و نه از فضیلت سبقت وی در ایمان به پیغمبر، در حالی که او پسر نابالغی بود، اما از هر صغیر و کبیری بیش تر و بهتر به دست رسول اکرم (ص) هدایت یافت.

همچنین، این فضیلت که گفته شد، دست کمی از فضیلت وی در جمع میان جهاد به

(صفحه ۱۹)

رای، جهاد به مال و جهاد با شمشیر ندارد.

اختلاف در جانشینی پیغمبر (ص)، نخستین خلاف بین مسلمانان بود. زیرا پس از رحلت پیغمبر (ص) انصار، دور سعد بن عباده، بزرگ خزرج، گرد آمدند و می خواستند با او به خلافت بیعت کنند. ابوبکر با عده ای از مهاجرین به نزد آنان آمدند و در میان دو گروه، درباره ی خلافت، جدال درگرفت، جدالی سخت که نزدیک بود به جنگ انجامد. در اینجا نویسنده داستان حباب بن منذر و سعد بن عباده و

ketabton.com - The Digital Library

موضوع مخالفت آنان را با ابوبکر و گفتگو میان آنان، همچنین مخالفت بنی هاشم و عده ای از صحابه را با ابوبکر به حمایت از علی (ع)، به تفصیل آورده است تا اینکه می گوید: علی پس از مدتی به منزل ابوبکر آمد و با او بیعت کرد و گفت: ما فضل تو را انکار نمی کنیم ولی برای خود حقی قایل هستیم و نتیجه می گیرد که علی هنگام بیعت با ابی بکر به احقیت خود تاکید داشت، اما به خاطر جمع کلمه ی مسلمانان، با او بیعت کرد تا رای و نظر او مایه ی تفرقه ی بین مسلمین نگردد و تا با این عمل خود، عالی ترین نمونه ی تسامح و گذشت در مسائل اختلافی و در ترجیح مصالح عمومی بر مصلحت شخصی را ارائه دهد. در حالی که علی، معتقد بود که او و خاندانش به لحاظ قرابت به رسول خدا(۲) به حفظ مصالح مردم، توان بیش تری دارند، زیرا این خویشاوندی، خود یک عامل درونی بر رعایت عدل و انصاف است.

پس علی (ع) با ابوبکر بیعت کرد، در حالی که عقیده ی به حقانیت خود را در دل حبس نمود و در پنهان و آشکار، اخلاص خود را نسبت به ابوبکر نشان داد. کینه ای از او در دل نداشت و مایل نبود که نسبت به او حیله و نیرنگی به کار برد، بلکه در جنگ با اهل رده، موضع علی (ع) دلیل بر نهایت اخلاص و داد او است. هنگامی که مسلمانان با

(صفحه ۲۰)

ابوبکر در جنگ با مرتدین و مانعین زکاء مخالفت کردند، ابوبکر به تنهایی با شمشیر به

ketabton.com - The Digital Library

دست به«ذی القصه» رفت و پس از آن علی (ع) به وی پیوست و زمام ناقه اش را گرفت و گفت: کجا می روی ای خلیفه ی رسول خدا؟ ما را به مصیبت خود مبتلا نکن. به خدا قسم اگر به مصیبت تو گرفتار شویم برای اسلام نظامی باقی نمی ماند. ابوبکر سخن علی (ع) را شنید و به مدینه برگشت، سخن مخلصانه ای که گواه بر نهایت علاقه ی علی (ع) به زنده ماندن خلیفه است، در حالی که هنوز معتقد بود ابوبکر خلافت را از او غضب کرده است.

اگر علی (ع) می گذاشت ابوبکر به تنهایی به جنگ برود، این امر آن حضرت رابه آرزویش نزدیک می کرد. ولی روح امام، بزرگ تر از آن بود که چنین مخاطره ای به دلش راه یابد، چه اینکه او با ابوبکر بیعت کرده و نظر و خواست خود را در دل پنهان نموده است، پس باید در راه بیعت و خیرخواهی خود اخلاص داشته باشد، هر چند برخلاف مصلحت شخصی او باشد.

همین گونه بود روش علی (ع) با عمر بن خطاب که ابوبکر خلافت را به او سپرد. زیرا امام (ع) باز هم عقیده ی خود را در دل حبس کرد و به همان گونه که با ابوبکر رفتار کرده بود با عمر هم رفتار کرد و در راه عقیده ی تن به تفرقه و جدایی نداد....

رفتار علی (ع) با عثمان نیز چنین بود، هنگامی که بر اثر شورای معروف (که به نظر علی (ع)، توطئه ای علیه او بود) به خلافت رسید. ولی علی (ع) باز هم رای و عقیده ی خود را مبنی

ketabton.com - The Digital Library

بر محق بودن خود به خلافت، در سینه حبس کرد و به تفرقه و جدایی از عثمان رضایت نداد. هنگامی که در پایان خلافت عثمان، شورشیان و طاغیان بر او شوریدند، علی (ع) از این فرصت به سود خود استفاده نکرد، بلکه با ابدای نظر درست خود، می خواست آن فتنه را به سود عثمان و در راه مصلحت مسلمانان بخواباند. و همین که آشوب به جایی رسید که بر جان عثمان خایف گردید، دو فرزندش حسن و حسین- علیهماالسلام- را

(صفحه ۲۱)

فرستاد تا از عثمان دفاع کنند و با اینکه خواباندن آشوب، خلاف حق او بود که اقتضا می کرد خلیفه را با آشوب گران رها کند، ولی او تصمیم گرفت تا پایان، به سنت و روشی که به عنوان مثل اعلا و کار نمونه در مورد اختلاف رای، اتخاذ کرده بود ادامه دهید.

هنگامی که مردم پس از عثمان می خواستند با او بیعت کنند، در قبول بیعت عجله برای رسیدن به آرمان و عقیده اش مغتنم نشمرد، زیرا خلافت را نه برای مصلحت شخصی، بلکه برای مصلحت مسلمانان می خواست. لهذا از بیعت امتناع کرد و به طالبان بیعت پاسخ موافق نداد، مگر پس از اصرار آنان که ملاحظه کرد ناچار از اجابت آنهاست تا تفرقه ی پیش آمده ی بین مسلمین را بر اثر قتل عثمان، بر طرف نماید. لهذا زبیر و طلحه را دعوت کرد و گفت: اگر میل دارید با من بیعت کنید، و اگر نه من با یکی از شما بیعت می کنم.

آنان گفتند: نه ما با تو بیعت می کنیم (بعدا نویسنده امتناع سعد بن ابی وقاص، عبدالله عمر

ketabton.com - The Digital Library

و دیگران را به تفصیل ذکر کرده) نتیجه می گیرد: که علی مایل نبود خلافت خود را بر کسی تحمیل نماید، بلکه می خواست مردم به اختیار خود با او بیعت کنند و هر کس از بیعت با او ابا می کرد او را آزاد می گذارد. (آن گاه راجع به رفتار علی (ع) با معاویه می گوید): معاویه از فرمان علی (ع) هنگام عزل او از استانداری شام سرپیچی کرد و این یکی از حقوق خلیفه است درباره ی معاویه و دیگران که از او اطاعت کنند و اگر اطاعت نکردند این امر از عنوان اختلاف رای، به عصیان و طغیان تبدیل می شود. عصیان حکمی دارد غیر از حکم اختلاف در رای، زیرا عصیان و نافرمانی، موجب تفرقه ی بین مسلمین و لازم است با آن رفتاری اتخاذ شود که باعث جمع کلمه ی مسلمین گردد هر چند به خشونت منتهی شود.

همین بود رفتار علی (ع) با کسانی که در قضیه ی تحکیم میان او و معاویه، با او مخالف شدند و از وی عزلت گزیدند و به لحاظ قبول تحکیم، او را محکوم نمودند. با اینکه از لحاظ دینی ایرادی نداشت، اما آنان عده ای تندرو و افراطیان مذهبی بودند ولی علی (ع)

(صفحه ۲۲)

به آن گونه که آنان نسبت به وی حکم کردند که او را کافر دانستند بر آنها حکم نکرد، بلکه به آنان گفت: مادامی که با ما مصاحبت و همراهی دارید، سه چیز را از شما دریغ نمی داریم: از حضور در مساجد خدا منع نمی کنیم، مادامی که با ما همراه هستید شما را از سهم بیت المال

ketabton.com - The Digital Library

محروم نمی کنیم و با شما نمی جنگیم مگر شما پیش قدم در جنگ با ما شوید.

دیگر بالاتر از این روش تسامح و گذشت در مورد اختلاف رای متصور نیست، بلکه این خود مثل اعلا در تسامح است، اما علی سر و کارش با مردمی تندرو و مذهبیانی خشک بود که به تسامح و ناسازگاری در موارد اختلاف رای، عقیده نداشتند، بلکه صرفا آن را وسیله ی پراکندگی و نافرمانی دانسته و بر آن اصرار داشتند و به سر پیچی خود ادامه دادند.

نتیجتا عبدالرحمن بن ملجم را بر جان علی (ع) مسلط نمودند تا او را ترور کرد. اما علی (ع) پیش از اینکه روح از بدنش پرواز کند فرزندان خود را جمع کرد و به آنها درباره ی خوبی خوراک و نرمی رخت خواب قاتلش توصیه کرد و گفت اگر زنده بماند که او خود اختیار خویش را دارد، یا او را عفو می کند و یا قصاص. و اگر مرد، او را (با قصاص) به علی (ع) ملحق کنند تا در پیشگاه پروردگارش با او به داوری برود. آن گاه آنان را از تعدی بر او و مثله کردنش منع کرد.

علی (ع) با چنین انصافی با کسی که بر او ضربه ای وارد آورده است رفتار می کند و درباره ی خوبی طعام و نرمی فراش او توصیه و از مثله کردن وی، پس از کشتنش منع می کند، تا علی (ع) برای ما مسلمانان- در حال حیات و مماتش- مثل اعلا و نمونه ی کامل در کیفیت جمع بین پایبندی به رای و عقیده ی خود و انصاف دادن به مخالفانش باشد.

فرحمه

ketabton.com - The Digital Library

الله من امام للمنصفین فی الخلاف و قدوه للمتسامحین فی الدین.

حال که از سخن یک فرزانه ی محقق، استاد جامع ازهر از اهل سنت، از روش علی (ع) در پایبندی به عقیده و شجاعت در ابراز رای، همراه با تسامح و گذشت از منافع خود در

(صفحه ۲۳)

راه مصالح اسلام مطلع شدیم، به شرح آن از سخنان خود آن حضرت می پردازیم، اما در ابتدا به سخن محقق مشهور و استاد حوزه و دانشگاه در ایران و از شیعیان مخلص علی (ع) دل می سپاریم.

مرحوم علامه ی شهید مطهری، زیر عنوان«اتحاد الاسلام»(۳) می گوید:«طبعا هر کس می خواهد بداند آنچه علی درباره ی آن می اندیشید، آنچه علی نمی خواست آسیب ببیند، آنچه علی آن اندازه برایش اهمیت قایل بود که چنان رنج جانکاه را تحمل کرد چه بود: حدسا باید گفت: آن چیز وحدت صفوف مسلمین و راه نیافتن تفرقه در آن است. مسلمین، قوت و قدرت خود را که تازه داشتند به جهانیان نشان می دادند مدیون وحدت صفوف و اتفاق کلمه ی خود بودند، موفقیت های محیرالعقول خود را در سال های بعد نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند، علی القاعده علی به خاطر همین مصلحت، سکوت و مدارا کرد... مخصوصا در دوران خلافت خودش، آن گاه که طلحه و زبیر نقض بیعت کردند و فتنه ی داخلی ایجاد نمودند، علی مکررا وضع خود را بعد از پیغمبر با اینها مقایسه می کند و می گوید: من به خاطر پرهیز از تفرق کلمه ی مسلمین، از حق مسلم خودم چشم پوشیدم و اینان با اینکه به طوع و رغبت بیعت کردند،

ketabton.com - The Digital Library

بیعت خویش را نقض کردند و پروای ایجاد اختلاف در میان مسلمین را نداشتند.»

و اینک سخنان علی در نهج البلاغه در این خصوص:

۱. لقد علمتم انی احق الناس بها من غیری. و و الله لا سلمن ما سلمت امور المسلمین و لم یکن فیها جور الا علی خاصه، التماسا لاجر ذلک و فضله و زهدا فیما تنافستموه من زخرفه و زبرجه.(۴).

«قطعا شما خود می دانید که من از دیگران شایسته تر و احق به خلافت هستم، ولی به خدا سوگند من تسلیم هستم و مخالفتی ندارم، مادامی که امور مسلمانان روبراه باشد و

(صفحه ۲۴)

تنها به من ستم شود. و در این کار اجر و فضل خدا و هم پرهیز از آنچه از زر و زیور دنیا در آن اختلاف دارید را مسئلت دارم.»

این سخن را علی (ع) در شورای شش نفره ی منتخب از جانب خلیفه ی دوم، ایراد فرمود، هنگامی که دید می خواهند با عثمان بیعت کنند و او را به خلافت برگزینند. علی (ع) با تاکید بر حق خود و اینکه با انتخاب دیگری به جای وی به حق او تعدی و ستم نموده و درباره اش جفا و جور روا داشته اند. اما اگر با این وصف، وحدت و مصالح جامعه ی اسلامی محفوظ باشد او با این بیعت موافق است. و از حق غصب شده ی خود در راه مصالح عمومی سکوت می کند.

۲. فامسکت یدی حتی رایت راجعه الناس قد رجعت عن الاسلام، یدعون الی محق دین محمد- صلی الله علیه و آله و سلم- فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله ان اری فیه ثلما او هدما، تکون

ketabton.com - The Digital Library

المصیبه به علی اعظم من فوت ولایتکم... فنهضت فی تلک الاحداث حتی زاح الباطل و زهق و اطمان الدین و تنهنه.(۵).

«من دست خود را (از بیعت با ابوبکر) نگه داشتم تا اینکه مشاهده کردم مردمی را که از اسلام برگشتند و به نابودی دین محمد (ص) دعوت می کنند، پس ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم رخنه و یا خرابی در بنای اسلام ببینم که مصیبت آن برای من عظیم تر است از اینکه حکومت و ولایت شما را از دست بدهم، پس در آن حوادث ناگوار، قیام کردم تا اینکه باطل از میان رفت و دین اسلام ثبات و قوام یافت.)

این عبارت بخشی از نامه ای است که علی (ع) برای اهالی مصر، همراه مالک اشتر فرستاد- آن گاه که او را به استانداری مصر برگزید. البته این نامه کوتاه است و غیر از فرمان طولانی آن حضرت است برای مالک اشتر که در آن آیین حکمرانی را به بهترین وجه بیان کرده است. در آغاز این نامه، علی (ع) جهت اطلاع مردم مصر از اوضاع و

(صفحه ۲۵)

احوال پس از رحلت رسول اکرم (ص)، شمه ای از اختلافات مردم در جانشینی پیغمبر و بیعتشان را با دیگری به جای او در حالی که فکر نمی کرد مردم کسی غیر از او را انتخاب کنند، می گوید: من ابتدائا از بیعت خودداری کردم، تا اینکه ارتداد جماعتی را از اسلام و کوشش شان را علیه دین مشاهده کردم و در این هنگام برای حفظ اسلام با خلیفه همراهی کردم تا خطر از اسلام مرتفع گردید.

در این سخن اشاره می کند که اختلاف

ketabton.com - The Digital Library

مردم درباره ی خلافت، کار نادرستی بود و حق خاندان پیغمبر (ص) را از میان بردند و طبعا برای احقاق حق خود باید مقاومت می کردم، اما حفظ اسلام برای من مهم تر از خلافت بود.

علی (ع) در جاهای دیگر هم به مساله سکوت از حق خود به لحاظ پرهیز از تفرقه و به خاطر حفظ اسلام پرداخته است. ابن ابی الحدید در شرح خطبه ی ۱۱۹، از عبدالله بن جناده نقل می کند که علی (ع) در روزهای اول خلافتش در مسجد مدینه طی خطبه ای از انحراف امت پس از رحلت رسول اکرم (ص) و غضب کردن حق خاندان پیغمبر فرمود: به خدا قسم اگر از تفرقه ی مسلمانان و برگشت کفر و نابود شدن دین اسلام نمی ترسیدم، هر آینه رفتار ما با آنان به جز آن بود که انجام دادیم. (۶).

همچنین ابن ابی الحدید از کلبی نقل می کند که علی (ع) پیش از حرکت به سوی بصره، در خطبه ی خود فرمود: قریش پس از رسول خدا (ص) حق ما را از ما گرفت و به خود اختصاص داد. پس من دیدم صبر بر این امر، از تفرقه ی کلمه ی مسلمین و ریختن خون هایشان بهتر است در حالی که مردم همه مسلمان اند و دین همچون مشکی متلاطم است که کم ترین سستی، آن را نابود و کوچک ترین فردی آن را وارونه می کند.(۷).

همین ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ی ۶۵ نقل می کند که یکی از فرزندان ابولهب اشعاری در فضیلت علی و ذم مخالفانش و در اثبات حق حضرت سرود، علی (ع) فرمود:

سلامت و

ketabton.com - The Digital Library

بقای دین (اسلام) از هر چیز دیگری نزد ما محبوب تر است.(۸).

در بحث از فتنه گفتیم که پس از بیعت مردم با ابوبکر، عباس و ابوسفیان آمدند تا با علی (ع) بیعت کنند و وی، آنان را از فتنه گری و ایجاد تفرقه منع فرمود.(۹).

پرسش

در اینجا سوالی مطرح می شود و شبهه ای پیرامون عکس العمل علی (ع) در قبال غضب خلافت، به ذهن خطور می کند ۶ از یک سو آن حضرت اصرار دارد که خلافت حق او است و دیگران آن را غضب کردند و بارها در این باره به شکایت از مردم و بی وفایی شان و از گله کردن از خلفا و اطرافیانشان، دم نمی زد.

مگر همین سخنان علی (ع) منشا اختلاف و انشقاق مسلمین به دو دسته ی شیعه و اهل سنت و سبب نزاع و مشاجره و جدال لفظی و عملی و جنگ و خون ریزی نگردیده است؟ و باعث نشده است در طول تاریخ دسته جاتی و احزابی بنام پیروان علی (ع) پیدا شوند و راه تفرقه را پیش گیرند؟ و نیز حکومت هایی به نام تشیع در جای جای جهان اسلام و در راه دفاع از حق وی و خاندانش به سر کار آیند؟ و در قبال خلفای سنتی که در خط خلفای راشدین بوده اند قیام کنند؟ آیا این جریان اختلاف برانگیز، از روش و منش و از سخنان و خطبه های آن حضرت سرچشمه نگرفته است؟

(صفحه ۲۷)

مگر ایشان وحدت مسلمین را برای زمان خود می خواست و به فکر آینده ی اسلام و مسلمین نبود؟ و توجه نداشت که سخنان بلیغ و جاندار ش در

ketabton.com - The Digital Library

خصوص خلافت، در آینده اختلاف برانگیز خواهد بود؟

پیرامون این سوال و شرح و بسط آن و نیز در پاسخ آن می توان کتاب ها نوشت و تجزیه و تحلیل های تاریخی و سیاسی و اجتماعی و کلامی عرضه کرد، اما در این مقاله فرصت این کار نیست و تنها برای رفع شبهه که حتی برای روشنفکران و جوانان شیعه سوال برانگیز گردیده و هم دست مایه ی بسیاری از تحلیل گران اهل سنت قرار گرفته است، چنان که می گویند: سبب اختلاف مسلمان ها، شیعیان هستند که همواره در مشروعیت خلافت خلفای اسلام، شایعه پراکنی و فتنه گری کرده و می کنند و بدین وسیله صفوف به هم فشرده ی مسلمین را از هم جدا می سازند!!

پاسخ

در پاسخ به این شبهه که بسیار گسترده و شامل جهات مختلف است باید آن جهات را از هم جدا کرد و مانند کلاف سردرگمی آن را با سر انگشتان دانش، با آرامش و با کنترل عواطف و احساسات ناشی از علاقه ی به اهل بیت- علیهم السلام- باز کرد. باید دانست که در این خصوص، بررسی چند مطلب ضروری است:

اول، علی (ع) تنها از حس شخصی خود که غالبا در نهج البلاغه به عنوان احقیت او به خلافت به لحاظ قرابت با پیغمبر (ص) آمده است شکایت نمی کرد تا گفته شود تا حالا کار از کار گذشته، مانند اینکه دو نفر در رسیدن به ریاست جمهوری با هم رقابت نموده و یکی از آن دو پیروز شده است، دیگر نباید تا قیامت از رقیب خود شکایت کند و این کار از افراد کم ظرفیت و ریاست طلب

ketabton.com - The Digital Library

سر می زند نه از شخصیتی مانند علی (ع). خیر، علی (ع) از یک حق الهی که باید در خاندان پیغمبر (ص) و در افراد مشخص با امتیازات خاص باقی بماند دفاع می کرد.

(صفحه ۲۸)

امامت رکنی از ارکان اسلام است و حفظ اسلام در همه ی ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وابسته ی به آن لازم است، انصراف خلافت از علی (ع) به خلفای پیش از او، تنها انتقال ریاست از شخصی به شخص دیگر نبود، بلکه از دیدگاه حضرت انحراف از رکنی به ارکان اسلام بود که حق الهی ولایت خاندان پیغمبر (ص) را به انتخاب و رای مردم تبدیل کرد.

آیا از علی (ع) در حالی که از مطالبه ی حق شخصی خود به خاطر وحدت مسلمین و حفظ اسلام صرف نظر کرد، انتظار در اید از بیان این رکن عظیم اسلام که ضامن کیان اسلام است سکوت می کرد؟ این خود کتمان یکی از حقایق اسلام است که گناهی است بزرگ.

البته در دوران خلفا چند نوبت در شوراها و در میان صحابه ی خاص به عنوان احتجاج آن را مطرح فرمود و نه در بین عامه ی مسلمین که خوف فتنه و تحریک علیه دستگاه خلافت می رفت و به همین خاطر به تشخیص من و به اعتراف برخی از محققین، در داستان غدیر خم، حق الهی ولایت اهل بیت در بین عامه ی مردم به سکوت برگزار شد و جز معدودی از افراد آگاه، بقیه ی مردم از آن بی خبر بودند و احتمال می رفت که با فوت آن افراد، به کلی فراموش شود.

لهذا علی (ع)، از آغاز خلافتش، همت

ketabton.com - The Digital Library

گماشت که مردم را از این حق آگاه نماید. ما قبلاً خطبه ی علی (ع) را در آغاز خلافت در مسجد مدینه، از قول ابن ابی الحدید به نقل از عبدالله بن جناده و نیز نامه ی علی (ع) را به اهل مصر که در آن مساله حق اهل بیت را مطرح کرده بود و نیز خطبه ی آن حضرت را پیش از حرکت به بصره راجع به قریش که پس از رحلت پیغمبر (ص) حق خاندان او را به خودشان اختصاص دادند، نقل کردیم. این سخنان را نباید بر دفاع از حق شخصی و نقل یک اتفاق تاریخی حمل کرد. خیر، باید آنها را حامل یک پیام الهی و افشای یک حق ضایع شده دانست، تا در تاریخ باقی بماند.

(صفحه ۲۹)

دوم، مساله فقط حکومت و ریاست سیاسی اهل بیت نبود، بلکه در کنار آن امامت و هدایت و مرجعیت علمی اهل بیت هم بود که مایه ی اصلی حکومت است. یعنی به عقیده ی علی (ع) و پیروانش، سرپرستی مسلمین صرفا در حکومت و ریاست بر آنها خلاصه نمی شود، بلکه امامت ادامه ی رسالت و حامل همان پیام ها و وظایف است که لازمه اش علم و تقوی و عصمت و اموری از این قبیل است.

این حقیقت مکتوم را علی (ع) در دوران خلافت خود بارها بیان داشته است. سخنان آن حضرت در نهج البلاغه که قطعا گزیده ای از کل سخنان او است فراوان است. کسانی این سخنان را گردآوری و شرح کرده اند.(۱۰) دکتر صبحی صالح رد«فهرست موضوعات نهج البلاغه»، زیر عنوان«آل البیت المطهرون»(۱۱) شمه ای از آنها را گرد آورده

ketabton.com - The Digital Library

است که هر کدام دنباله یا ماقبل دارد و باید به نهج البلاغه رجوع شود:

۱. آل النبی (ص) هم موضع سره و لجا امره...، خطبه ی ۲، ص ۴۷.

۲. هم اساس الدین و عماد الیقین. الیهم یفی ء الغالی و بهم یلحق التالی...، خطبه ی ۲، ص ۴۷.

۳. ازمه الحق و اعلام الدین و السنه الصدق، خطبه ی ۸۷، ص ۱۲۰.

۴. نخن اهل البیت منها بمنجاه و لسنا فیها بدعاه، خطبه ی ۹۴، ص ۱۳۹.

۶. الا ان مثل آل محمد، صلی الله علیه و آله، کمثل نجوم السماء: اذا خوی نجم طلع نجم...، خطبه ی ۱۰۰، ص ۱۴۶.

۷. نحن شجره النبوه و محط الرساله و المختلف الملائکه و معادن العلم و ینابیع الحکم، خطبه ی ۱۰۹، ص ۱۶۲.

۸. و عندنا- اهل البیت- ابواب الحکم و ضیاء الامر، خطبه ی ۱۲۰، ص ۱۷۶.

(صفحه ۳۰)

۹. فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن. ان نطقوا صدقوا و ان صمتوا لم یسبقوا، خطبه ی ۱۵۴، ص ۲۱۵.

۱۰. هم عیش العلم و موت الجهل. یخبرکم حلمهم عن علمهم و ظاهرهم عن باطنهم، و صمتهم عن حکم منطقهم. لا یخالفون الحق و لا یختلفون فیه. و هم دعائم الاسلام و ولائج الاعتصام. بهم عاد الحق الی نصابه و انزح الباطل عن مقامه، خطبه ی ۲۳۹، ص ۳۵۷. این بود ده سخن از علی (ع) درباره ی اهل بیت پیغمبر (ص) که همان طور گفتم هر کدام قبل و بعد دارد و باید همه ی این خطبه ها و مانند آنها مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود علی (ع) وظیفه ی خود می داند، در دوران خلافت که فرصتی به دست

ketabton.com - The Digital Library

آورده، مقامات معنوی اهل بیت را که قهرا خاص امامان آنان است پی در پی در خلال خطبه ها، حتی بدون ارتباط با اول و آخر خطبه، گوشزد فرماید.

نکته ی قابل دقت در این قبیل سخنان آن است که امام، به جای تاکید بر خلافت اهل بیت، بر علم و دانش و محوریت علمی و معنوی آنان تاکید دارد. شاید به همین سبب با عکس العمل مردم مواجه نمی شد، زیرا سخن از ریاست سیاسی نبود. تا عامه ی مردم که به خلافت خلفای پیش از علی (ع) عادت کرده و برای آنان احترام قایل بودند، از شنیدن و پذیرش سخنان وی ابا کنند. در حقیقت علی (ع) به خاطر حفظ وحدت مسلمین از لحاظ سیاسی، بیش تر بر جنبه ی مرجعیت علمی اهل بیت تکیه می کرده است و این همان راه حلی است که برای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، استاد بزرگ ما آیه الله- بروجردی رضوان الله تعالی علیه- پیشنهاد می فرمود و بعدا آن را شرح خواهیم داد.

اینکه گفتم علی (ع) در زمان خلافت خود بیش تر بر مرجعیت علمی و مقام معنوی خاندان پیغمبر (ص) تاکید داشت، در حالی که در دوران خلفا برای خواص و در آغاز خلافت خود مساله انحراف خلافت را برای عموم مطرح می کرد نه مقام معنوی آنان را، این یک نوع مصلحت سنجی و رعایت وحدت و اتفاق مسلمین بوده است که مسلما واقعیت دارد.

(صفحه ۳۱)

در عین حال، این امر می تواند حائز نکته ی دیگری هم باشد و آن اینکه پذیرش مقامات معنوی امامان، نیاز به طول زمان و طی مراحلی از معرفت

ketabton.com - The Digital Library

و شناخت دارد. علی (ع) قبل و بعد از خلافت خود در آغاز، مساله خلافت را مطرح می کرد ولی هنوز در مردم، آن آمادگی و رشد لازم را برای افشای سر ولایت نمی دید، لذا تدریجا که در کوفه مستقر گردید و عده ای از اصحاب خاص و صاحبان سر دور او جمع شدند به افشا و کشف این سر مکتوم برای آنان پرداخت. این قبیل سخنان غالبا در کوفه و برای خود شیعیان ایراد گردیده است و در گذشته، جز همان افراد انگشت شمار از قبیل سلمان و ابوذر و عمار و مقداد، دیگران از این سر آگاه نبودند. هر چند از دوستان علی (ع) و از هواخواهان سیاسی او به شمار می آمدند و عده ی آنان هم کم نبود.

ولی عده ی صاحبان سر قبل از خلافت انگشت شمار و مامور به کتمان آن بودند و این بیت مولانا زبان حال آنان است:

هر که را اسرار حق آموختند

مهر کردند و زبانش دوختند

حتی این قبیل اصحاب معدود قدیمی علی (ع) و صاحبان سر جدید که تعدادشان بیش تر بود، همه از لحاظ معرفت در یک رتبه نبودند و در آینده هم نخواهند بود و روایات هم گواه همین امر است و حتی به نظر می رسد دیدگاه بزرگان نیز درباره ی مقامات اهل بیت متفاوت است. من یک نمونه از دو استاد بزرگ عصر که افتخار شاگردی هر دو را داشته ام نقل می کنم:

مرحوم آیه الله العظمی بروجردی که بعدا نظریه ی ایشان را در حل مشکل اختلاف شیعه و اهل سنت در مساله خلافت نقل خواهم کرد، همواره بر مقام علمی

ketabton.com - The Digital Library

ائمه ی اهـل بیت- علیهماالسـلام- در بعـد احکـام تاکیـد می فرمود و حـدیث ثقلین را بر مرجعیت علمی آنـان حمـل می کرد. بـدون اینکه از ابعاد دیگر سـخن بگوید یا آنها را انکار کند. در حالی که امام راحل- بنیان گذار جمهوری اسـلامی- دائما در سخنرانی ها و نوشته هایشان از بعد عرفانی اهل بیت دم می زدند و حرمان اصلی را در عدم شناخت آن مقامات

(صفحه ۳۲)

می دانستند.

سوم، درباره ی مسائل مربوط به خلافت از قول علی (ع) در کتاب ها و تواریخ و در احادیث، مطالب زیادی دیده می شود که هیـچ گاه با یک میزان و معیار علمی همساز و همخوان با شـیوه آن حضـرت و با هدف او از طرح این مساله، ارزیابی نگردیده است و اگر چنین ارزیابی شوند بسیاری از آن مطالب با منش و روش و رفتار علی (ع) با خلفا سازگار نیست.

ما از بیانات گذشـته به این نتیجه رسیدیم که حضرت (ع) با این مساله، مانند همه ی مسائل دیگر، حکیمانه و مصلحانه برخورد می کرد و نه عوامانه و دشـمن شانه و با روحیه ای پر از حسـرت و عقده و با لسانی و هدفی انتقام جویانه و بی مسـئولیت. علی (ع) بنا به وظیفه ی الهی، می خواست رکنی از ارکان اسـلام را که برای اسـلام و مسلمین سرنوشت ساز است و حقی از حقوق الهی را که ضایع و فراموش شـده بود، بر ملا کند و از مسـئولیت و گناه کتمان آن حق بزرگ بیرون آید، بدون رساندن زیانی از این راه به مصالح اسلام و بدون ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین.

اگر همین را

ketabton.com - The Digital Library

معیار برای تشخیص صحت و سقم منقولات از آن حضرت در مورد خلافت قرار دهیم، خواهیم دید بخش مهمی از آنها از جمله فقراتی از کتاب معروف«سلم بن قیس» با این معیار همخوانی ندارد. من اکنون در صدد رد یا قبول این کتاب نیستم، بزرگان رجال از قبیل شیخ نجاشی و علامه ی حلی در این باره اختلاف نظر دارند و می گویند در آن دست برده شده و کم و زیاد گردیده است. مسلما در اواخر قرن سوم هجری، این کتاب در دست علما بوده و کسانی از قبیل نعمانی در کتاب غیبت و کلینی در کافی از آن نقل کرده اند.

اگر این جانب یادداشت ها و معلومات خود را درباره ی آن کتاب بنویسم، خود کتابی به حجم آن خواهد شد. به هر حال، خواننده ی این کتاب، خود را در برابر کسی می یابد که نه تنها مصالح سیاسی و اجتماعی اسلام و مسلمین را رعایت نمی کند، بلکه در صدد است

(صفحه ۳۳)

سنگ تفرقه و تیر نابودی را به سوی آن پرتاب نماید. در برابر گوینده ای عاری از حس مسئولیت و حکمت و خیرخواهی و ناآگاه از وقایع و حوادث تاریخی، کسی که جز تحریک عواطف و کوبیدن طرف و انتقام گرفتن از خصم، هدفی ندارد. حال اگر همان طور که می گویند، اینها «اسرار آل محمد» است پس باید آنها را مکتوم نگه داشت و فاش نکرد. متاسفانه به جای انتخاب مطالب معقول آن کتاب، همان طور که سید رضی در نهج البلاغه(۱۲) سبب اختلاف احادیث پیغمبر (ص) را که ظاهرا از همین کتاب گرفته است، گاهی به منظور تفرقه

ketabton.com - The Digital Library

افکنی در لحظات حساس بین شیعه و سنی از آن استفاده می شود که در اینجا چند نمونه را ذکر می کنم: در سال ۱۳۵۲ که من طی یک ماموریت علمی از سوی دانشگاه مشهد قریب ۵۰ روز در لبنان به سر می بردم و آن روزها جنگ میان فلسطینی ها بر اثر شبیخون اسرائیل به هتل محل سکونت سه نفر از سران آنان و بین دولت لبنان در گرفت این جنگم تا چند سال طول کشید و به کشور لبنان خسارت بسیاری رسانید. در آن هنگام طبعا مسلمانان به حمایت از آن مظلومان، باید وحدت خود را حفظ می کردند و موضع مسیحی ها هم مشکوک بود، یک روز در نزدیک ساحه الشهداء، جلوی کلیسای بزرگ شهر، دیدم مردی یک گاری دستی از کتاب «سلیم بن قیس» که با کاغذهای کاهی چاپ شده بود پر کرده و به قیمت بخسی می فروشد و من یک جلد از آن را خریدم، آیا پخش چنین کتابی در آن لحظات حساس و با سابقه ی درگیری های پراکنده و دشمنی دیرینه ی میان شیعیان و سنی های لبنان، چه معنی دارد؟ مسلما هر فرد سنی و یا شیعه که آن را بخواند محال است با هم دوست شوند و در قبال دشمنان در یک صف بایستند. عین همین کار را در یکی از راه پیمایی هایی مهم تهران، در یکی از مواقع حساس که نیاز به وحدت بیش تر احساس می شد، مشاهده کردم. بچه ی نابالغی این کتاب را که با شرح

(صفحه ۳۴)

و بسط و به صورت مطلوبی چاپ شده بود، در بین صفوف راه پیمایان

ketabton.com - The Digital Library

به قیمت ناچیزی می فروخت.

بلی خواننـده، خواهـد گفت درباره ی «خطبه ی شقشـقیه» چه می گویی که در نهج البلاغه آمده و «ابن ابی الحدید» در منبعی دویست سال پیش از سـید رضـی، مولف نهـج البلاغه، آن را دیـده است؟ پاسـخ آن است، صـرف نظر از ماخذ و سـند آن، از کتاب غارات ثقفی(۱۳) بر می آیـد کـه این کلمـات را علی (ع) در یـک خطبه برای عمـوم ایراد نکرده است، بلکه روزی آن حضـرت در جائی نشسته بوده و به طور خصوصی صحبت می کرده است و کسی نامه ای به دست او داده و او به خواندن نامه مشـغول شده و دیگر سـخنش را ادامه نداده است. ابن عباس در آن جلسه حاضـر بوده و تقاضا کرده است، علی (ع) به سخنان خود ادامه دهد. چند شاهد بر خصوصـی بودن این سـخنان می توان اقامه کرد: یکی همین نقل کتاب غارات دیگر اینکه رسـم نبوده که در بین خطبه ی عمومی، نـامه به دست علی بدهنـد و او در حـال خطبه ی عمومی، نـامه به دست علی بدهنـد و او در حال خطبه، به مطالعه ی آن بپردازند.

شاهد دیگر، ابن عباس، پسرعموی علی (ع) و از نزدیک ترین کسان به او و از مطلع ترین افراد به حوادث و وقایع خلافت بوده است. چطور تا آن هنگام، از مطالبی که در این باره در آن جلسه از علی شنیده بی خبر بوده است و افسوس می خورد که علی (ع) به سخن خود ادامه نداد. حال، اگر این امر گواه ضعف این نقل نباشد لا اقل شاهد بر این است که علی این

ketabton.com - The Digital Library

قبیل خاطرات و ذهنیات خود را حتی از یاران خاص خود، مانند ابن عباس پنهان می داشته و اینک برای اولین بار، به طور خصوصی، شمه ای را بر زبان آورده است. ابن عباس هم از آن سخنان به «کلام» تعبیر می کند و نه به خطبه.

آخرین شاهد بر محرمانه بودن آن سخنان، تعبیر خود علی (ع) است که در پاسخ ابن

(صفحه ۳۵)

عباس می گوید: «هیهات یابن عباس! تلک شقشقه هدرت ثم قرت.» (هیهات ای ابن عباس این مانند نعره ای بود که از دهان شتر هنگام طغیان و سرکشی بر می آید و سپس آرام می گیرد). یعنی حرفی بود بر اثر هجوم عواطف گفته شد و قابل ادامه نیست.

باری، من انکار نمی کنم که در دل راز دار علی (ع) اسراری بوده که مصلحت نمی دیده است آنها را اظهار کند، حال اگر گاهی به طور خصوصی آن اسرار را فاش می کرده، ما نیز باید به پیروی مولی (ع)، راز دار آن حضرت باشیم و اسرار او را فاش نکنیم. و آنچه را او از نزدیک ترین خویشان و یارانش پنهان می داشته، آن را سر هر کوچه و بازار و نزد خودی و بیگانه افشا نکنیم.

از همین جا، باید گفت: در این قبیل مطالب تحریک آمیز و احساس برانگیز که در کتاب ها آمده، باید میان موضع علی (ع) و مواضع پیروان او فرق گذاشت، آن حضرت راز دار و مسلط بر عواطف خود بود اما شیعیان، او گاهی چنین نبودند. متاسفانه نه تنها شیعیان معمولی که بسیاری از اوقات گویندگان و نویسندگان ما نیز زمام قلم و عنان زبان را

ketabton.com - The Digital Library

به دست احساسات می سپارند و زا مرز حکمت و مصلحت تجاوز می کنند.

صحابه و یاران خاص علی (ع)، در این خصوص در رفتار و گفتار از مولای خود پیروی می کردند و مانند او با خلفای پیش از وی چه در هنگام خلافت آنان و چه پس از آن، رفتار می نمودند. سلمان فارسی، از سوی خلیفه ی دوم به استانداری مداین و عمار یاسر به حکومت کوفه و دیگران، به فرمان خلیفه به میدان های جنگ می روند. علی (ع) خود برای حفظ اسلام خلیفه را از حضورش در جنگ فارس(۱۴) و روم(۱۵)، و بیش از آن خلیفه ی اول را از حضور در جنگ های رده، باز می دارد و در این زمینه می توان یک کتاب نوشت.

علاوه بر همه ی آنچه گفته شد، ما غالبا از یک نکته ی تاریخی در مورد صحابه ی علی (ع)

(صفحه ۳۶)

و خلافت او غفلت می کنیم. تصور عموم آن است که حضرت به عنوان امام منصوص، از قبل رسول خدا (ص) به خلافت رسیده و حضور او در صحنه ی خلافت، احراز منصب الهی است که در غدیر خم به او تفویض گردید. در حالی که با سیری در تاریخ و در نهج البلاغه، جای تردید باقی نمی ماند که آن حضرت، پس از قتل عثمان و به اصرار مردم و با انتخاب ایشان، به عنوان خلیفه ی چهارم، بر کرسی متزلزل و پر از غوغای خلافت نشست. بیعت کنندگان با وی (صرف نظر از افراد انگشت شمار، یاران خاص عارف به حق الهی او) کسانی بودند که با خلفای پیش از او و با

ketabton.com - The Digital Library

همان دیدگاه بیعت کرده بودند.

بنابراین، علی (ع) از دیدگاه عامه ی مردم، خلیفه ای از قماش خلفای پیش از وی بود و نه امامی واجب لاطاعه منصوب از قبل خدا. مردم، در قبال دسته جات مخالف او به خصوص اهل شام و حامیان آل ابوسفیان، شیعه ی او شمرده می شدند، اما نه به معنی شیعه ی عارف به حق او. آنان به حساب امروز، سنی بودند. و برای خلفای پیش از او حتی گاهی بیش تر از علی (ع) احترام و مقام قایل بودند. علی (ع) خود بارها به این مطالب اشاره کرده و احساسات مردم را رعایت فرموده است که اکنون فرصت تفصیل مطلبی نیست.

این موضوع هم نیاز به یک مقاله یا کتاب دارد تا معلوم شود که هواخواهان علی (ع) دو دسته بودند:

اکثریت قریب به تمام و اقلیت انگشت شمار که تدریجا در حال گسترش بودند و در اواخر حیات علی (ع) و در عصر ائمه ی اهل بیت- علیهماالسلام- تعداد آنها زیاد بود.

بنابراین، اظهار آن قبیل سخنان نیش دار و اهانت آمیز به خلفا و صحابه، در جمع مردم، هم خلاف مصلحت اسلام بود و هم خلاف سیاست علی و باعث تفرق مردم از گرد ایشان می گردید. به خصوص راجع به خلیفه ی دوم که با حساب های معمولی، وی باعث گسترش و قدرت و عظمت اسلام گردیده و چهره ای حق به جانب و زاهد و عادل

(صفحه ۳۷)

از خود نزد مردم به جای گذارده بود(۱۶) بلی، خلیفه ی سوم پس از آشوب و فتنه ی کبری که به قتل وی منتهی گردید، چنان وجهه ی همگانی نداشت و داوری

ketabton.com - The Digital Library

ها درباره ی او بسیار مختلف و متضاد بود که قبلا از آن بحث کردیم.

چهارم، علی (ع) نه تنها نسبت به خلفای پیش از خود، بی پروا، در اجتماعات عمومی اینچنین اهانت آمیز و خشن سخن نمی گفت، حتی نسبت به صحابه که آن خلفا را روی کار آورده بودند با ملایمت و احتیاط سخن می فرمود.

در خطبه ای که در آغاز خلافتش(۱۷) پس از قتل عثمان، ایراد فرموده است چنین گفت:

و قد کانت امور مضت ملتم فیها میله، کنتم فیها عندی غیر محمودین و لئن رد علیکم امرکم انکم لسعداء. و ما علی الا الجهد و لو اشاء ان اقول لقلت: عفا الله عما سلف!(۱۸).

(همانا جریان هایی اتفاق افتاد که شما در آنها انحرافی پیدا کردید که نزد من قابل ستایش نبودید، حال اگر امور تان به شما بر گردد حتما شما سعادتمند خواهید بود و بر عهده ی من چیزی جز کوشش نیست و اگر بخواهم بگویم خواهم گفت: خدا از گذشته عفو کند.)

به نظر می رسد علی (ع) می خواهد از رفتار مردم درگذشته گله کند، اما از گفتن مطلبی خودداری می کند و می گوید: «عفا الله عما سلف.» گویا هنگام ایراد این خطبه هنوز امر خلافت بر وی مستقر نگردیده بوده ولی در شرف استقرار بوده است و لهذا می گوید:

«لئن رد علیکم امرکم...»

پنجم، با توجه به امور سوم و چهارم، از محققان، نویسندگان و گویندگان تقاضا دارم:

(صفحه ۳۸)

اولا، در برابر سخنان خشن منقول از علی (ع) و دیگر ائمه اهل بیت- علیهما السلام- که در کتابها آمده، احتیاط به خرج دهند و آنها را با معیاری که بیان داشتم

ketabton.com - The Digital Library

بسنجند و بر فرض اگر آنها را قطعی می دانند، مصالح اسلام و وحدت مسلمین را در نقل آنها در نظر بگیرند و به مسئولیت خویش در برابر خدا عمل کنند.

ثانیا، تاریخ اسلام و وقایع دوران پس از رحلت رسول اکرم (ص) تا دوران خلافت علی (ع) را با دقت و کنجکاوی و هم زندگی صحابه ی معروف و خدمات آنان را در این قطعه از تاریخ اسلام، در کتاب های معتبر تاریخ و تراجم و شرح حال، ببینید تنها به روایات و کتاب های خودمان اکتفا نکنند. در این خصوص باید همه ی مدارک با هم سنجید.

ثالثا، آنچه از ائمه اهل بیت- علیهماالسلام- به خصوص از حضرت صادق (ع) در کتاب های اهل سنت درباره ی خلفا آمده است توجه کنند، اگر این روایات گرد آید حقایق بسیاری را آشکار می کند. این جانب بیش تر آنها را گرد آوردم و در قم زیر نظر آیه الله احمدی میانجی و آیه الله روحانی رحمه الله علیهما به چاپ رسیده است و یا می رسد.

رابعا، روابط و معاشرت ائمه را با فرزندان صحابه و تابعین معروف و هم با پیشوایان مذاهب معاصر خود، مانند ابوحنیفه و یا مالک بن انس که در منابع معتبر اهل سنت آمده است و نیز ازدواج های بین خاندان های پیغمبر و صحابه را مدنظر قرار دهند. از مجموع اینها خواهیم فهمید که کدورت و دشمنی بین آنان تا آن حد که در سال ها و قرون بعد تدریجا در روایات اوج گرفته و مانند آتشی شعله ور می گردد، نبوده است.

سزاوار است در این خصوص هم کتابی تالیف گردد.

خامسا،

ketabton.com - The Digital Library

روایات تقیه را به دقت مطالعه کنند، هدف عمده از تقیه حفظ وحدت بوده است نه ترس از دیگران.

سادسا، از سوی مصلحان و علمای بزرگ، در قرن اخیر در تقریب مذهب شیعه و اهل سنت، گام هایی برداشته شده که آنها را در مجله ی رساله الاسلام، ارگان «دارالتقریب

(صفحه ۳۹)

بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره و مجله رساله التقریب ارگان «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در تهران و کتاب هایی که از سوی این دو موسسه انتشار یافته است می توان دید. این جانب آن نظرات را در کتاب ندای وحدت(۱۹) - شامل مجموعه سخنرانی های من در دانشگاه تهران پیش از نماز جمعه- گرد آورده ام. اینک دیدگاه دو تن از بزرگان را که مربوط به نزدیک کردن دو دیدگاه در خلافت علی (ع) است ذکر می کنم:

۱. مرحوم آیه الله عظمی بروجردی استاد بزرگ ما که از حامیان جدی اندیشه ی تقریب و از یاران صدیق «دارالتقریب» بود، می فرماید(۲۰): ما شیعیان با اهل سنت، عمدتا در دو اصل مربوط به اهل بیت اختلاف داریم، یکی درباره ی خلافت علی و خاندانش، دیگر درباره ی مرجعیت علمی اهل بیت. در حال حاضر مساله خلافت، مورد نیاز مسلمین نیست زیرا خلافتی وجود ندارد که سر آن با هم دعوا کنیم، خلافت مساله ای است تاریخی که مربوط به گذشته بوده است. و حتی گاهی می فرمود: حالا لازم نیست مردم بدانند چه کسی خلیفه بوده و چه کسی نبوده است، آنچه امروز محل حاجت و مورد نیاز مسلمین است این است که بدانند از چه ماخذی باید احکام را گرفت، قرآن مورد اتفاق همه است،

ketabton.com - The Digital Library

در مورد سنت هم د ر اصل حجیت سنت رسول اکرم اختلافی نیست، اختلاف در این است که اهل سنت، سنت را از طریق صحابه می گیرند و شیعه از طریق اهل بیت، که استناد می کنند به حدیث معروف ثقلین که پیغمبر فرمود:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...»

این روایت به طرق بسیار از اهل سنت و شیعه آمده است، به اشاره ی آیه الله بروجردی، مرحوم شیخ قوام الدین قمی و شنوی در رساله ای آنها را گرد آورده و در قاهره از سوی «دارالتقریب» و در تهران همراه ذیلی از من، از سوی «مجمع جهانی

(صفحه ۴۰)

تقریب» چاپ شده است. این مرحوم آیه الله بروجردی در مقدمه ی کتاب مهم جامع الاحادیث که زیر نظر ایشان تالیف گردیده، این موضوع را با شرح و بسط مرقوم داشته است.

خلاصه ی نظر آیه الله بروجردی در این خصوص، تفکیک خلافت از مرجعیت علمی است که شیعیان باید بر امر دوم یعنی مرجعیت علمی اهل بیت، تاکید و بر امر اول سکوت کنند.

۲. آیه الله علامه ی سمنانی که از محققان و علمای بزرگ در عصر ما بود، در نامه ی مفصلی که برای مجله ی رساله الاسلام فرستاده و در شماره ی دوازدهم آن مجله و هم در کتاب الواحده الاسلامیه او التقریب بین المذاهب، جمع آوری دکتر بی آزار شیرازی،(۲۱) تحت عنوان «منهاج علمی للتقریب الی اخواننا المسلمین»

به چاپ رسیده است وی میان خلافت و امامت(۲۲) فرق می گذارد، به این بیان که امامت منصبی است الهی که خاص علی و ائمه- علیهماالسلام- بود و خلافت، ریاست و اداره ی امور مسلمین است

ketabton.com - The Digital Library

که خلفا قائم به آن بودند و این دو با هم تضاد ندارد. خلفا هیچ گاه ادعای آن منصب الهی و اصراری بر انکار آن را هم نداشتند. علی (ع) هم خلافت خلفا را انکار نمی کرد بلکه با آنان همکاری می نمود و اصولا شرط امامت امام، تصدی مقام خلافت نیست و از صحت خلافت دیگران هم منع نمی کند. سخنان علامه ی سمنانی در این خصوص طولانی است و این جانب در کتاب ندای وحدت(۲۳) این نظریه را با نظریه ی آیه الله بروجردی مقایسه کرده ام و در عین حال، مسلما هر دو نظریه از این شخصیت عالی قدر، یک نوع ابتکار به شمار می آید و کم تر سابقه دارد.

و آخر دعوانا ان الحمد الله رب العالمین و السلام علی المرسلین.

*****

(۱) رساله الاسلام، طبع مجمع جهانی تقریب، ج ۳، ص ۴۳۴، شماره ی ۱۲.

(۲) در این جا نویسنده تنها قرابت علی (ع) را سبب سزاوار بودن او به خلافت دانسته است و از مساله نص رسول خدا (ص) چیزی نمی گوید و این است تفاوت دیدگاه او با دیدگاه شیعیان. وی ماخذ خود را هم ذکر نکرده است، شاید در برخی از مطالب دیگر هم با ذهنیات شیعیان موافق نباشد.

(۳) سیری در نهج البلاغه، ص ۱۷۸.

(۴) صبحی صالح، ص ۱۰۲، خطبه ی ۷۴.

(۵) صبحی صالح، ص ۴۵۱، نامه ی ۶۲.

(۶) سیری در نهج البلاغه، ص ۱۷۹. در این سه نقل، ترجمه از من است.

(۷) سیری در نهج البلاغه، ص ۱۸۰.

(۸) سیری در نهج البلاغه، ص ۱۸۱.

(۹) صبحی صالح، ص ۵۲.

(۱۰) از جمله استاد محمد تقی شریعتی در کتابی به نام اهل

ketabton.com - The Digital Library

بیت در نهج البلاغه.

(۱۱) صبحی صالح، ص ۷۳۳.

(۱۲) صبحی صالح، ص ۳۲۵، کلام ۳۱۰.

(۱۳) این کتاب تالیف ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی (متوفای ۲۸۲ ه). است، از انتشارات انجمن آثار ملی، با تصحیح و تعلیقات میر جلال الدین حسینی معروف به «محدث». این کتاب از منابع مهم خطبه ها و کلمات و سرگذشت علی علیه السلام است.

(۱۴) صبحی صالح، ص ۳۰۲، کلام ۱۴۶.

(۱۵) صبحی صالح، ص ۱۹۲، کلام ۱۳۴.

(۱۶) ابراهیم بن محمد ثقفی در کتاب الغارات (ص ۳۰۷) از قول علی درباره ی عمر نقل می کند که فرمود: «فسمعنا و اطعنا و ناصحنا و تولی الامر و کان مرضی السیره، میمون التقیه».

(۱۷) صبحی صالح، ص ۲۵۱، خطبه ی ۱۷۸.

(۱۸) صبحی صالح، ص ۲۵۷.

(۱۹) ندای وحدت، ص ۲۵۱.

(۲۰) ندای وحدت، ص ص ۲۷۵ و ۲۸۰.

(۲۱) از انتشارات مجمع جهانی تقریب، ص ۲۱۶.

(۲۲) صبحی صالح، سخنان علی راجع به خلافت، ص ۳۳۲ و راجع به امامت، ص ۷۳۶.

(۲۳) صبحی صالح، سخنان علی راجع به خلافت، ص ۲۷۵ و ۲۸۰.

ketabton.com - The Digital Library

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

ketabton.com - The Digital Library

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

ketabton.com - The Digital Library

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

ketabton.com - The Digital Library

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English